

حسننا سریع توپ را برداشت و پیش مامان که حالا توی آشپزخانه بود، رفت.

خب به نظرت
راه‌حل‌هات
ایرادی هم دارن؟

به غیر از بازی با گوشه،
دو تا راه‌حل دیگه هم پیدا
کردم؛ بازی با توپ و
درست کردن یه کیک
خوشمزه!



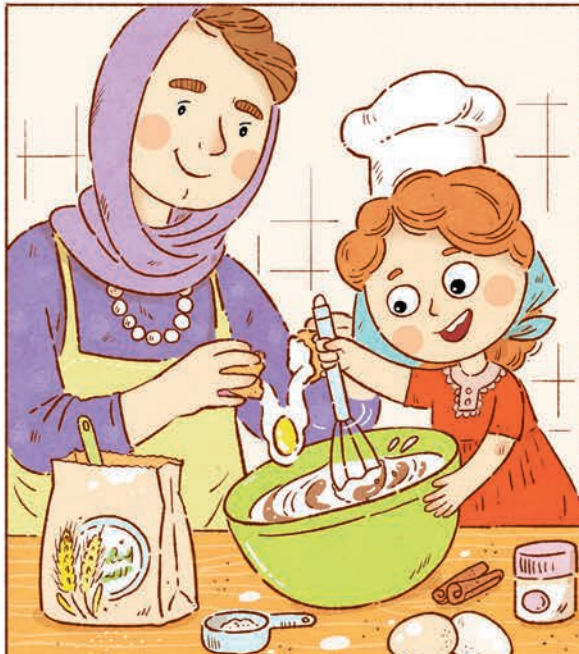
حسننا شروع به راه رفتن دور خانه کرد. در همین وقت توپی که پشت مبل افتاده بود را دید. نگاهش هنوز روی توپ بود که بوی خوبی حس کرد. از لای پنجره بوی کیک خوشمزه‌ای می‌آمد.



حسننا دوباره به فکر فرو رفت.

خب الان وقت خوبی برای
توپ بازی نیست. وقت
استراحت همسایه است.
گوشی بازی هم...

گوشی بازی هم می‌دونی
که زیادش برای چشم‌هات
خوب نیست.
درست کردن کیک اما...



راستی بچه‌ها شما چه راه‌حل‌هایی برای وقتی
حوصله تون سر می‌ره، دارید؟ شما هم مثل حسننا
قبل از انتخاب، اشکال‌هایی که راه‌حل‌ها می‌تونن
داشته باشن رو بررسی می‌کنین؟

